

## ۵۳. بشارت بانسان

در زمان یک جنگ ناو جنگی با ناخدا و تمام دریانوردانش دستگیر و به بندر دشمن برده شد. برای کسب اطلاعات از سرنشینان کشتی آنان را با رشوه و التماس و خواهش و بعد با تهدید، مورد شکنجه و عذاب غیر قابل وصفی قرار دادند. با گذشت زمان، جنگ بین دو کشور به اتمام رسید و کاپیتان کشتی با ملاحظانش بمیهن خود مراجعت کردند. در رادیو از ناخدا پرسیدند که در موقع اسارت چه چیزی را بیشتر از همه آرزو میکرد. بدون وقفه جواب داد «چیزی که بیشتر از همه دلم میخواست آن بود که با مرکز فرماندهی خودم تماس بگیرم. فرمانی از فرمانده خود می خواستم. دستور او را از همه چیز دیگر بیشتر لازم داشتم.»

در یکی از برنامه های گذشته ملاحظه کردیم که دشمن بشر، شیطان، نقش مهمی در امور بشری غصب کرده است. و در حقیقت هر مرد و زن و بچه که بر روی زمین زندگی می کند مثل سرنشینان کشتی مذکور در منطقه دشمن زندگی میکند. بدیهیست که آنان نیز مثل ناخدای کشتی احتیاج به تماس با فرمانروای خود دارند - یعنی مرده یا بشارتی از خالق خود دریافت کنند تا بدانند در برابر متخلفین و گمراهان این جهان چگونه باید پاسخ دهند و پیروزمندانه زیست کنند. از روزی که حضرت آدم و حوا از میوه درخت ممنوعه خوردند بشر آرزوی باطنی برای ارتباط با خالق خود را داشته است. ایشان اگر چه تحت سلطه شیطان در آمده اند، دائماً در جستجوی خداوند و دانستن اراده او بوده اند. از بدو عالم نقشه خداوند

آشکار بوده

است.

خشم خدا نسبت بگناهان بشر بدین کلمات ذکر شده: «اما از سوی دیگر، خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست که از حقیقت روشن است، زیرا خدا وجدانهایشان را از این حقیقت آگاه ساخته است. انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او پی ببرد. پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می ایستد، برای بی ایمانی خود هیچ عذر و بهانه ای ندارد.

«بلی، درست است که مردم این حقایق را می دانند، اما هیچگاه حاضر نیستند به آن اعتراف کنند و خدا را عبادت نمایند و یا حتی برای برکاتی که هر روز عطا میکنند، او را شکر گویند. در عوض درباره وجود خدا و اراده او، عقاید احمقانه ای ابداع می کنند. به همین علت ذهن نادانشان، تاریک و مغشوش شده است. خود را بدور از خدا، دانا و خردمند می پندارند، اما همگی نادان و بی خرد شده اند. آنگاه بجای اینکه خدای بزرگ و ابدی را بپرستند، بتهایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان میسازند و آنها را میپرستند.» (رومیان ۱: ۱۸-۲۳).

قدرت خداوند در ابر و گل و پرنده مشاهده میشود. در ترانه های مختلف

محبت پروردگار سرانجام می شود و وحدانیت خالق و یگانگی مقاصد وی نسبت به نوع بشر نگاشته شده است. یگانگی خداوند برای آدم و ابراهیم و اسمعیل و مدیان و محمد آشکار گردید.

در قرآن مجید چنین آمده است: «خدا یکتا هیچ خدائی نیست جز او که زنده و پایدار است. (سورة البقره ۲۵۵). آیا خدای یهودیان و مسیحیان و مسلمانان یکی نیست؟ «خداوند قادر متعال که پادشاه و حامی اسرائیل است چنین می فرماید: "من ابتدا و انتها هستم و غیر از من خدایی نیست."» (اشعیا ۴۴:۶). مسیح فرمود: «زندگی چاوید از این راه بدست می آید که تو را که خدای واقعی و بی نظیر هستی و عیسی مسیح را که به این جهان فرستاده ای، بشناسند.» (یوحنا ۳:۱۷). سورة م عنكبوت آیه ۴۶ چنین اظهار میدارد: «نگوئید به آنچه بسوی ما فرستاده شده و بآنچیزی که بسوی شما فرستاده شده که ایمان آورده ایم و خدای ما و خدای شما یکیست و ما برای خدا گردن نهادگانیم.»

در آیات فوق راجع بتعلیمات دینی صحبت نمی شود بلکه گفتار ما راجع بخود خداوند عالم است. بحث در مورد کلمات را باید ترک کنیم زیرا خدا مافوق درک کنیم آنگاه خدا دیگر خدا نمی شد. فقط چیزی که می توانیم از خدا بدانیم آن مطالبی است که او در کتب مقدس برای ما مکشوف ساخته است. از ابتدای مکاشفات الهی یگانگی خالق محوری بوده که تمام حقایق دیگر دور آن می گردند.

یکی از خاصیت های خداوند که او را از مخلوقات خود جدا میسازد علم کامل راجع به آینده است. بزرگترین دلیل اینکه خداوند قادر کل و عارف کل میباشد اینست که آینده را همچون گذشته می داند. در یکی از برنامه های آینده برخی از نبوتها یا پیشگوئی ها را ملاحظه خواهیم کرد تا اعتماد کاملتری نسبت به تسلیم شویم.

ولی ما هم اکنون در وسط اردوگاه دشمن هستیم و آرزوی نهائی ما وصول مژده و دستور از فرمانروای خود می باشد. اما اولین مژده چیست؟ «خدا محبت است.» (اول یوحنا ۴:۸). موضوع برنامه آینده همین است.